

نوع مقاله: ترویجی

شخصیت اخلاقی در روان‌شناسی اخلاق و بررسی مفاهیم متناظر آن در منابع اسلامی

mostafajahangiry1372@gmail.com

jahangirzademr@gmail.com

hamidrafi2@gmail.com

مصطفی جهانگیری / کارشناس ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

محمد رضا جهانگیرزاده قمی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

حمید رفیعی هنر / استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹

چکیده

روان‌شناسی اخلاق، شاخه‌ای از روان‌شناسی است که به مسائل روانی مرتبط با اخلاق می‌پردازد. شخصیت اخلاقی در سال‌های اخیر یکی از موضوعات کلیدی در حوزه روان‌شناسی اخلاق بوده است. مسئله این است که آیا بحث و بررسی در مورد اخلاق تنها در سطح رفتار است یا در سطح شخصیت هم می‌توان از آن سخن گفت؟ از این رو، به دلیل اهمیت این سازه در سطوح مختلف فردی و اجتماعی و عدم دسترسی به مفاهیم متناظر به این سازه در منابع اسلامی، ضرورت بررسی آن از نگاه روان‌شناسی و منابع اسلامی روشن شد. به این منظور، هدف این پژوهش بررسی مروری نظریات و مدل‌های شخصیت اخلاقی در منابع روان‌شناختی، و بررسی مفاهیم متناظر به آن در منابع اسلامی است. روش پژوهش در بخش مرور نظریات و مدل‌های این سازه در منابع روان‌شناختی از نوع توصیفی - تحلیلی و در بخش بررسی مفاهیم متناظر آن در منابع اسلامی، توصیفی از نوع پیمایشی دلفی است. نتیجه اینکه سازه شخصیت اخلاقی در روان‌شناسی تبیین و با استفاده از ضریب نسبت روایی محتوا (CVI)، نظرات کارشناسان پیرامون مفاهیم متناظر، تحلیل گردید. روایی به‌دست‌آمده از مفاهیم متقین، محسنین، صالحین، صابرين، صدیقین، عقلا، کرماء و عدول «۱»، و ابرار و شرفا «۸۳/۰» به‌دست‌آمد و مورد تأیید قرار گرفت، و روایی مفهوم مکارم الاخلاق «۳۳/۰» به‌دست‌آمد و رد شد.

کلیدواژه‌ها: شخصیت اخلاقی، روان‌شناسی اخلاق، مفاهیم متناظر، منابع اسلامی.

مقدمه

افلاطون تلاش‌های بسیاری برای تبیین فضیلت انجام داد. افلاطون فضیلت را معرفت می‌دانست که در پرتو حکومت عقل موجبات اعتدال را فراهم می‌آورد (همان، ص ۱۱۹). ارسطو نیز، شخصیت را متشکل از سه بخش تغذیه‌ای، عاطفی و عقلانی می‌داند که مؤلفه عقلانی شخصیت به‌عنوان عالی‌ترین سطح، هدایت و تنظیم ارادی رفتار را بر عهده دارد و بیشتر در پی فضیلت است تا ارضای خواسته‌ها و امیال نفسانی. به عقیده وی شخصیت سالم و بهنجار کسی است که اعمال و رفتار خود را به موافقت با عقل به بهترین وجه انجام می‌دهد و به عبارتی «فضیلت‌مدار» است (شجاعی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۶-۱۳۹). پس از ارسطو موضوع فضیلت همچنان در مجامع علمی قرون وسطا در غرب وجود داشت و اشخاصی همچون سنکا، سیسرون، گریگوری کبیر، آگوستین و توماس آکوئیناس به بحث پیرامون فضیلت پرداختند. پس از رنسانس و به‌ویژه بر اثر نظریه اخلاق فایده‌مدار کانت، اخلاق فضیلت به تدریج به محاق رفت تا اینکه بعد از جنگ جهانی دوم برخی فیلسوفان اخلاق که ناکارآمدی اخلاق نتیجه‌گرا و وظیفه‌گرا را در حل مشکلات بشری دیده بودند به تشکیک در مبانی این دو مکتب اخلاقی پرداختند (منتظری و نظری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰).

امروزه در ادبیات روان‌شناختی نیز یکی از موضوعات اصلی در قلمرو روان‌شناسی اخلاق، شخصیت اخلاقی است. تحقیقات جدید اغلب تحت عنوان شخصیت اخلاقی یا خود اخلاقی (Moral self) قرار می‌گیرند (هنریچس و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۲۴۳). به عقیده بلازی فردی که دارای شخصیت اخلاقی است، در خودپنداره خود به‌طور متمرکز دغدغه‌های اخلاقی را جای می‌دهد و احساس می‌کند که موظف است به‌طور مداوم با توجه به دغدغه‌های اخلاقی خود زندگی کند (نارواژ و لپسلی، ۲۰۰۹، ص ۲۴۴). به نقل از: بلازی، ۱۹۸۰). خود اخلاقی، هویت اخلاقی و شخصیت اخلاقی، اصطلاحاتی هستند که برای نشان دادن محدوده ساختارهای اخلاقی در خودپنداره فرد استفاده می‌شود (هنریچس و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۳۲۳). در واقع پاسخ به این سؤال که شخصیت اخلاقی چیست، بستگی به این دارد که شما توجه خود را به چه جنبه‌ای از شخصیت متمرکز کرده‌اید؛ صفات سرشتی (Dispositional traits)، سازگاری‌های ویژه (Characteristic adaptations)، یا داستان‌های

شخصیت اخلاقی (Moral personality)، در سال‌های اخیر موضوعی کلیدی در روان‌شناسی اخلاق بوده و سه حوزه پژوهشی منش اخلاقی (Moral character)، هویت اخلاقی (Moral identity)، و مسئولیت (Responsibility) را دربر گرفته است (هنریچس و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۶۹). یکی از مسائل مهم در حوزه روان‌شناسی اخلاق (Moral psychology) این است که آیا بحث و بررسی در مورد اخلاق تنها در سطح رفتار است، یا در سطح شخصیت هم می‌توان از آن سخن گفت؟ بسیاری افراد وقتی درباره اخلاق، زندگی اخلاقی، ارزش‌ها و مانند آن صحبت می‌کنند، مقصودشان برخی ملکات جامعه‌پسند (Pro-social) همانند صداقت، انصاف، حساسیت به نیازهای دیگران، عاطفی بودن و امثال آنهاست؛ اما در روان‌شناسی اخلاق، صحبت از اینکه تمایلات اخلاقی در درون انسان‌ها در سطح صفات جای گیر می‌شوند، بحث‌های زیادی را به خود اختصاص داده است. هرچند، واژگان صفت، منش و فضایل، دهه‌های متمادی بود که به حاشیه مباحث دانشگاهی رانده شده بود. البته این امر مربوط به چند قرن اخیر و پس از عصر روشنگری در غرب است؛ وگرنه، از یونان باستان و از دوران ارسطو تا حدود قرن پانزدهم اصولاً رویکردی اخلاقی بجز اخلاق فضیلت (Virtue ethics) که از اخلاق در سطح شخصیت سخن می‌گوید، وجود نداشت. اما در نیمه قرن بیستم برخی فیلسوفان اخلاق مجدداً به این رویکرد به اخلاق بازگشتند و دوباره مباحث شخصیت اخلاقی احیا شد (موسوی اصل و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۲۱-۲۲۲). در اخلاق فضیلت‌گرا مسئله اصلی اخلاق، منش فرد است، نه کنش فرد؛ برخلاف اخلاق غایت‌گرا (Consequential) و وظیفه‌گرا (Deontological)، که مسئله اصلی این دو رویکرد، کنش و نتیجه آن است.

شخصیت اخلاقی ابتدا در ادبیات فلاسفه مطرح شد. در طول تاریخ، اخلاق فضیلت‌گرا همواره پیروان خود را داشته، ولی شاید بتوان از سقراط به‌عنوان اولین کسی یاد کرد که از دریچه فلسفه به موضوعات اخلاقی نگریسته است. او معتقد بود که فضیلت ملکه‌ای عقلانی است که نهایتاً به عمل منتهی می‌شود. سقراط تعریف فضیلت به مصادیق را رد می‌کند و معتقد است فضیلت نه جزء طبیعت ماست و نه می‌توان آن را آموخت؛ بلکه فضیلت تنها با عنایت خداوند در آدمی جایگزین می‌گردد (منتظری و نظری، ۱۳۹۲، ص ۱۱۸). به نقل از: افلاطون، ۱۳۸۰، ص ۳۹۰). پس از سقراط،

تدوین مدل مفهومی در منابع اسلامی است، یافت نشد. البته ناگفته نماند که پژوهش‌های مشابه اندکی در این زمینه وجود دارد که هر کدام هدف خاص خود را دنبال می‌کنند. برای نمونه می‌توان به پژوهش (مظفری، ۱۳۹۸) که به بررسی ارزش‌های اصلی زمینه‌ساز در رشد شخصیت اخلاقی از منظر قرآن کریم پرداخته است؛ و پژوهش (شجاعی، ۱۳۸۸) که به بررسی ریشه‌های روان‌شناسی صفات در اخلاق پرداخته شده است؛ و همچنین (ارشادحسینی و همکاران، ۱۳۹۴) که با هدف شناسایی مؤلفه‌های هوش اخلاقی و ساخت آزمون اولیه آن براساس منابع اسلامی انجام گرفت؛ و نیز (موسوی اصل و همکاران، ۱۳۹۵) که در آن صرفاً اشاره کوتاهی به ارتباط شخصیت اخلاقی با اخلاق فضیلت‌گرا شده است؛ اشاره کرد.

بنابراین به دلیل اهمیت سازه شخصیت اخلاقی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، فقدان تعریف روشن از آن، وجود اصطلاحات و مفاهیم متنوع و گاه هم‌پوش در این حوزه، رویکردها و نظریات مختلف، وجود انواع مختلف آن و در نهایت عدم دسترسی به مفاهیم متناظر به این سازه در منابع اسلامی، ضرورت بررسی آن از نگاه روان‌شناسی و منابع اسلامی روشن می‌شود. از این‌رو، این پژوهش اولاً در پی معرفی و تبیین سازه شخصیت اخلاقی در منابع روان‌شناسی، و ثانیاً درصد بررسی مفاهیم متناظر به این سازه در منابع اسلامی خواهد بود.

۱. بررسی شخصیت اخلاقی در منابع روان‌شناسی

در این قسمت به ترتیب به بررسی تعاریف، رویکردها و انواع شخصیت اخلاقی پرداخته می‌شود.

۱-۱. تعاریف شخصیت اخلاقی

در قلمرو روان‌شناسی اخلاق تعاریف متعددی برای شخصیت اخلاقی ذکر شده که هر کدام از آنها بر محور خاصی تمرکز دارند. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

برخی از تعاریف (پسلی و نارواتز، ۲۰۱۴، ص ۹-۱۰) بر هویت و منش اخلاقی در بستر رویکرد شناختی - اجتماعی تأکید می‌کنند و معتقدند که شخصیت اخلاقی دارای منش و هویت اخلاقی است؛ بدین شکل که ساختارهای اخلاقی برای پردازش اطلاعات اجتماعی به‌طور فعال در دسترس هستند.

زندگی (Life stories) (مک آدامز، ۲۰۰۹، ص ۱۳). عملاً شخصیت اخلاقی مشتمل بر صفات، سازگاری‌ها، و روندهایی خواهد بود که یک زندگی اخلاقی را در یک فرهنگ، بهتر حفظ و حمایت می‌کنند (همان، ص ۲۳). احتمالاً، فردی که دارای شخصیت اخلاقی پسندیده است، کسی است که دارای صفات ویژه‌ای است که به‌عنوان «فضائل (Virtues)» تلقی می‌شود (پسلی و نارواتز، ۲۰۱۴، ص ۹). در مجموع به‌نظر می‌رسد که تعدادی از صفات سرشتی گسترده، مستلزم ایجاد شخصیت اخلاقی هستند (مک‌آدامز، ۲۰۰۹، ص ۱۵). همچنین از برخی تعاریف مختلف می‌توان استنباط کرد که شخصیت اخلاقی مفهومی است که منش اخلاقی را نیز دربردارد (ستراک، ۲۰۱۴، ص ۳۶۸؛ همو، ۲۰۱۹، ص ۳۱۴).

علاوه بر این در ادبیات دینی نیز دانشمندانی همچون ابن‌سینا، غزالی، نراقی‌ها و دیگران، به اخلاق در سطح شخصیت پرداخته‌اند. اخلاق فضیلت به‌خاطر سازگاری با دین مبین اسلام و تأکید این دین بر کسب فضایل اخلاقی، تنها دیدگاهی بود که در جهان اسلام مطرح و ماندگار شد. با راهیابی آثار *فلاطون* و *ارسطو* به جهان اسلام، حکمای اسلامی، حکمت یونانی را سازگار با کتاب و سنت یافتند و از آنها برای تبیین و دفاع عقلانی از دین بهره جستند. در حوزه اخلاق نیز این مسئله وجود داشت و با راهیابی اخلاق نیکوماخوس *ارسطو*، اکثر حکمای اسلامی با اخلاق فضیلت *ارسطو* و نظریه اعتدال او آشنا شدند و آن را با آیات و روایات تأکیدکننده بر اعتدال و میانه‌روی مطابق یافتند. بنابراین نظریه اعتدال، شالوده اصلی کتب اخلاقی حکمای اسلامی شد (اترک، ۱۳۹۳، ص ۲۷). برخی از اندیشمندان اخلاق اسلامی معاصر نیز، تعاریف مختلفی برای شخصیت اخلاقی ذکر کرده‌اند. برای نمونه، معن (۱۴۱۲ق، ص ۱۹۳) می‌گوید شخصیت اخلاقی به سمت قلعه‌ها و نمونه‌های اعلاای اخلاق حرکت می‌کند و مصالح جامعه اسلامی را در عین تأمین مصالح افراد، محقق می‌کند.

با توجه به تعاریف مذکور می‌توان پی برد که سازه شخصیت اخلاقی یکی از سازه‌های مهم و کلیدی در حوزه روان‌شناسی اخلاق است. حال آن‌قدر که محقق در منابع داخلی جست‌وجو کرده، پژوهشی پیرامون شخصیت اخلاقی در منابع روان‌شناختی (از رویکردها، مدل‌ها، تعاریف، انواع) و مفاهیم متناظر به آن در منابع اسلامی که خود، پایه و اساس گردآوری داده‌ها (آیات و روایات) برای

(جهانگیرزاده، ۱۳۹۰، ص ۷۱، به نقل از: لپسلی و نارواژ، ۲۰۰۴؛ نارواژ و لپسلی، ۲۰۰۹؛ بلازی، ۱۹۸۰، به نقل از هنریچس و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۳۲۱؛ دامون ۱۹۸۴). به‌عنوان مثال، دامون در تعریف شخصیت اخلاقی بر تلفیق اخلاق با خودپنداره فرد اشاره دارد (جهانگیرزاده، ۱۳۹۰، ص ۷۱، به نقل از دامون، ۱۹۸۴).

مک آدامز می‌گوید: عملاً شخصیت اخلاقی مشتمل بر صفات، سازگاری‌ها، و روندهایی خواهد بود که زندگی اخلاقی در یک فرهنگ را بهتر حفظ و حمایت می‌کند (مک‌آدامز، ۲۰۰۹، ص ۲۳). وارن (۲۰۰۸، ص ۴) در تعریف شخصیت اخلاقی به دو مؤلفه پایداری اخلاقی و هویت اخلاقی اشاره می‌کند؛ که هویت اخلاقی خود مشتمل بر چهار متغیر مرتبط است؛ که عبارت‌اند از: دیدگاه‌پذیری، هم‌دردی، نگرش مثبت، و سن.

بنابراین در حوزه روان‌شناسی اخلاق، مؤلفه‌ها و مفاهیم متنوعی به چشم می‌خورد که هریک، به‌نحوی در پی تبیین سازه شخصیت اخلاقی هستند. برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: «منش»، «طرحواره»، «خودپنداره»، «صفات»، «الگو»، «هویت»، «پایداری». از این‌رو به‌نظر می‌رسد جامع‌ترین تعریفی که تا حدودی ابعاد مختلف این سازه را پوشش می‌دهد، عبارت است از: «شخصیت اخلاقی مشتمل بر مجموعه‌ای از صفات اخلاقی است که باعث می‌شود فرد در مقام پردازش فکری، هدف‌گذاری زندگی، طرح‌گذاری زندگی، و رفتار بیرونی خود بر مبنای اخلاق حرکت کند؛ روندی که در صورت تداوم، منجر به شکل‌گیری یک هویت اخلاق‌مدار در فرد خواهد شد».

۱-۲. رویکردها

در زمینه شخصیت اخلاقی رویکردهای متعددی، از قبیل رویکرد روان‌تحلیل‌گری (Psychoanalysis Accounts) شامل رویکرد هویت - شخصیت، و رویکرد تحلیلی - اجتماعی (Socio-analytic Accounts)؛ رویکرد صفات (Trait-Based Accounts)؛ رویکرد شناختی اجتماعی (Socio-cognitive Accounts)؛ رویکرد شخص‌شناسانه (Personological Accounts)؛ و رویکرد تلفیقی نظریه‌های شخصیت وجود دارد که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

۱-۳. رویکرد روان‌تحلیل‌گری

رویکرد هویت - شخصیت، که مستقیماً با نظریات فروید، یونگ، مورای، و اریکسون، (یعنی روان‌شناسان سستی شخصیت) ارتباط دارد؛

برخی بر طرحواره تمرکز دارند (لپسلی و نارواژ، ۲۰۰۴، ص ۲۰۰؛ نارواژ و همکاران، ۲۰۰۶، ص ۹۶۸؛ نارواژ و لپسلی، ۲۰۰۹، ص ۲۴۸). به‌عنوان مثال، نارواژ و همکاران معتقد است شخصیت اخلاقی از تجارب اجتماعی و عملی ناشی می‌شود که این تجارب طرحواره‌های اخلاقی خودکارشده را پرورش می‌دهند (نارواژ و همکاران، ۲۰۰۶، ص ۹۶۸).

برخی از تعاریف نیز بر خود، به‌عنوان یک فاعل یا عامل تمرکز می‌کنند. به‌عنوان مثال بلازی (۲۰۰۹؛ به نقل از لپسلی، ۱۹۹۶، ص ۲۲۶) معتقد است که ایده محوری در تعریف مفهوم شخصیت اخلاقی این است که کارکرد اخلاقی اثر یک «خود فاعل» است، نه اثر مؤلفه خاصی از جمله مؤلفه‌های شناختی. بدین بیان که «خود»، وظایف مربوط به رسیدن به قضاوت اخلاقی و اقدامات متناظر را با اتکاء به منابع مختلف شخص، مدیریت می‌کند.

تعدادی از تعاریف نیز بر مجموعه‌ای از صفات تأکید می‌کنند (کالی، ۱۹۹۷؛ کالی و همکاران، ۲۰۰۰؛ گراهام و همکاران، ۲۰۱۱، به نقل از: کمپبل و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۵۳۴ و ۵۱۰؛ واکر، ۱۹۹۹؛ واکر و پیتز ۱۹۹۸؛ واکر و هنیگ، ۲۰۰۴؛ هاردی، واکر، اولسن، اسکالسکی و باسینجر ۲۰۱۱؛ هارت و فیلی ۱۹۹۵؛ ماتسوبا و واکر، ۲۰۰۴؛ واکر و جانسون، ۲۰۰۴، به نقل از نارواژ و لپسلی، ۲۰۰۹، ص ۲۴۷). به‌عنوان مثال، واکر و همکارانش تلاش کرده‌اند تا شخصیت نمونه‌های اخلاقی را برحسب طبقه‌بندی پنج عامل بزرگ صفات تعریف کنند (واکر و همکاران، ۲۰۱۱، به نقل از: نارواژ و لپسلی، ۲۰۰۹، ص ۲۴۷). واکر و پیتز در مطالعه نمونه‌های شجاع، مراقب و عادل تشخیص دادند که نمونه‌های شجاع با مجموعه‌ای از صفات مرتبط با برون‌گرایی مطابقت دارند؛ نمونه‌های مراقب با سازگاری؛ و نمونه‌های عادل با آمیزه‌ای از وجدان‌مداری، ثبات عاطفی و گشودگی نسبت به تجارب مطابقت دارند (واکر و پیتز، ۱۹۹۸؛ به نقل از: نارواژ و لپسلی، ۲۰۰۹، ص ۲۴۷).

برخی از تعاریف بر هویت اخلاقی، منش اخلاقی و الگوهای اخلاقی تأکید دارند (ستتراک، ۲۰۱۴، ص ۳۶۸؛ همو، ۲۰۱۹، ص ۳۱۴). ستتراک در تعریف شخصیت اخلاقی، سه مؤلفه هویت اخلاقی (دیدن خود)، منش اخلاقی (رفتاری که درقبال دیگران نشان داده می‌شود) و الگوهای اخلاقی (نمونه برای دیگران را بیان می‌کند ستتراک، ۲۰۱۹، ص ۳۱۴).

برخی از تعاریف نیز بر خودپنداره تأکید ویژه‌ای دارند

می‌کند. آخرین بعد شخصیت اخلاقی خودمختاری است؛ چیزی که ما را به استقلال می‌رساند (هوگان، ۱۹۷۳، ص ۲۱۷-۲۳۰).

۱-۴. رویکرد شناختی - اجتماعی

رویکرد شناختی - اجتماعی، ساختار شخصیت را بر حسب مکانیزم‌های درون فردی، شناختی - عاطفی درک کرده و تلاش می‌کند تا تفاوت‌های فردی را از «پایین به بالا (Bottom-up)» تبیین کند؛ یعنی بر حسب سیستم‌های روان‌شناختی درون فردی خاصی که در تعامل پویا با تغییر بسترهای موقعیتی هستند. ساختارها (Scripts)، طرحواره‌ها (Schemas)، گستره‌ها (Episodes)، برنامه‌ها (Plans)، نمونه‌های اولیه (Prototypes) و ساختارهای مشابه، واحدهای تجزیه و تحلیل رویکردهای اجتماعی - شناختی به شخصیت هستند (نارواژ و لپسلی، ۲۰۰۹، ص ۲۴۶). به عبارت دیگر، این رویکرد، بیشتر نمایانگر جنبه «انجام (Doing)» توصیف شخصیت هستند و بنابراین بیشتر با دیدگاه موقعیتی (Situational perspective) مطابقت دارند که نقش عوامل موقعیتی را در هویت و رفتار اخلاقی تشخیص می‌دهد. کار در این زمینه بر مکانیسم‌های شناختی و عاطفی در نحوه تلقی افراد از بافت اجتماعی و پاسخ به آن، از جمله فعال شدن و غیرفعال شدن ابعاد هویت اخلاقی متمرکز است (واکر، ۲۰۱۴، ص ۴۹۸).

۱-۵. رویکرد شخص‌شناسانه

این رویکرد مدعی است که برای درک کامل انگیزش اخلاقی، این عرصه باید از صفات اخلاقی مبتنی بر گرایش و تحت تأثیر موقعیت، فراتر رود، تا جنبه‌های وسیع‌تری از شخصیت را دربر گیرد که به عملکرد اخلاقی نیز مرتبط است. کار در اینجا نوعاً بر روی جنبه‌های توصیف شخصیت تمرکز دارد، که با انگیزش هدف (Goal motivation) و روایت‌های زندگی (Life narratives) سروکار دارد و اغلب در عملکرد روان‌شناختی نمونه‌های اخلاقی (Moral exemplars) مشهود است (واکر، ۲۰۱۴، ص ۴۹۸). این رویکرد به روایت‌های یکپارچه زندگی اشاره دارد؛ یعنی ساختار روانی اجتماعی هویت که حس انسجام، معنا و هدف در زندگی را فراهم می‌آورد. افراد در چنین گزارش‌هایی از زندگی خود، به‌طور ضمنی یا صریح، موضع اخلاقی در مورد خود و جامعه اتخاذ می‌کنند و به این ترتیب به درجات مختلف، هویت خود را در شرایط اخلاقی می‌سازند (همان، ص ۵۰۸).

الگوهای رشد اخلاقی متأثر از نحوه شکل‌گیری شخصیت هستند و تفاوت‌های فردی در رفتار اخلاقی با تفاوت‌های فردی در شخصیت ارتباط دارند. از منظر رویکردهای شخصیت - هویت، اخلاق در ابتدا بیرونی است. انسان از بدو تولد با امیال و تکانه‌هایی به دنیا می‌آید که گاهی در تضاد با مقتضیات محیط و نیازهای دیگران است. یکی از مهم‌ترین نتایج فرایند اجتماعی‌شدن، درونی‌سازی یا جذب این مطالبات خارجی است. این امر به ایجاد یک طبیعت ثانویه منجر می‌شود که متأسفانه در بسیاری از موارد در یک وضعیت مصالحه بی‌ثبات با طبیعت اولیه باقی می‌ماند (جهانگیرزاده، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

در رویکرد تحلیلی - اجتماعی، که در پارادایم روان‌تحلیل‌گری جای می‌گیرد نیز، اخلاق مجموعه‌ای از قواعد است و این قواعد، رفتاری هدفمند را هدایت می‌کنند. علاوه بر این هیچ تمایز مشخصی بین قوانین اخلاقی و سایر قوانین مختلف اجتماعی وجود ندارد. به عبارت دیگر قواعد اخلاقی از آداب نزاکت یا از قواعد عرفی اجتماعی متمایز نیستند. این نظریه‌پردازان معتقدند اخلاق یک شغل اجتماعی است که هدف آن تنظیم رفتار بر حسب برخی از مکانیسم‌های زیست‌شناختی است. انسان‌ها به دلیل فشار تکاملی به اطاعت از مراجع قدرت تمایل دارند و ذاتاً به وفاداری گروهی و احساسات نوع‌دوستانه دیگری از این قبیل نیز تمایل دارند؛ زیرا از خودگذشتگی به خاطر آن گروه، از ارزش بقاء برخوردار است و به نفع تکامل است. بنابراین می‌توان گفت که آنها از جهاتی یک رویکرد زیستی در مورد اخلاق را مطرح می‌کنند (لپسلی، ۱۹۹۶، ص ۳۱۵).

هوگان، به عنوان یکی از پیشگامان این رویکرد معتقد است شخصیت اخلاقی نوعی ساختار شخصیتی است که انگیزه‌های مختلفی برای کنش را دربر می‌گیرد. وی معتقد است شخصیت اخلاقی دارای پنج بعد است؛ نخست اینکه شخصیت اخلاقی قبل از هر چیز به میزان دانش اخلاقی که فرد به دست آورده است، بستگی دارد. دومین بعد، درون‌سازی قواعد، ارزش‌ها و ممنوعیت‌های گروه اجتماعی است. فرد باید این قوانین را از آن خود قرار دهد و آنها را شخصاً دستور تلقی کند. سومین بعد، برون‌سازی است. برخی از افراد به‌خوبی برون‌سازی شده‌اند و تمایل بالایی به پیروی از قوانین نشان می‌دهند؛ اما برخی دیگر از افراد کمتر برون‌سازی شده و از این‌رو، نسبت به قوانین، رویکردی غیرجدی و سهل‌انگارانه دارند. چهارمین بعد شخصیت اخلاقی مربوط به جایی است که شخص با توجه به هدف و نقش اخلاقیات در امور و شئون انسانی، رفتار خود را تنظیم

۱-۶. رویکرد صفت‌محور

رویکرد صفت‌محور ساختار شخصیت را بر حسب طبقه‌بندی میان فردی تفاوت‌های فردی تبیین می‌کند. تفاوت‌های فردی بر حسب ساختارهای سرشتی «از بالا به پایین (Top-down)» مدنظر قرار می‌گیرند، که ممکن است در طبقه‌بندی متغیرهای نهفته مشخص شده از طریق تجزیه و تحلیل عاملی قرار گیرند؛ مانند طبقه‌بندی پنج عامل بزرگ (Big five) صفات؛ یعنی برون‌گرایی (Extroversion)، روان‌رنجورخویی (Neuroticism)، وجدان‌مداری (Conscientiousness)، سازگاری (Agreeableness) و گشودگی نسبت به تجارب (Open to experience) (نارواثر و لپسلی، ۲۰۰۹، ص ۲۴۶). این رویکرد نشان‌دهنده جنبه «داشتن (Having)» توصیف شخصیت هستند و بنابراین با دیدگاه گرایش‌ی (Dispositional perspective) هم‌خوانی دارند، که ثبات مقطعی - موقعیتی (Cross-situational) و ثبات زمانی در گرایش‌ها رفتاری را فرض می‌کند. بنابراین تمرکز کار در این حوزه بر روی صفات اخلاقی است (واکر، ۲۰۱۴، ص ۴۹۸).

۱-۷. رویکرد تلفیقی نظریه‌های شخصیت

طرف‌داران این رویکرد معتقدند برای تبیین شخصیت اخلاقی ابتدا باید بدانیم شخصیت چیست. در این زمینه تعریف آلپورت (۱۹۳۷، ص ۴۸) هنوز هم یکی از بهترین تعریف‌هاست: «سازمان پویایی از نظام‌های روان‌شناختی در درون فرد است که سازگاری‌های منحصر به فرد او را در محیط خود تعیین می‌کند». اغلب تعاریف مانند تعریف آلپورت، شخصیت را به‌عنوان یک امر وسیع و یکپارچه‌ای تصور می‌کنند که ضامن پیوستگی در رفتار انسان در طول زمان و در میان موقعیت‌های مختلف است و قدری از منحصر به فرد بودن یک زندگی فردی را حفظ می‌کند (مک‌آدامز، ۲۰۰۹، ص ۱۲). در دهه‌های اولیه و میانه قرن بیستم، روان‌شناسان شخصیت تعداد زیادی از نظریه‌های بزرگ را با هدف حفظ وسعت این مفهوم مطرح و تدوین کردند. این نظام‌های متنوع و کم و بیش ناسازگار، که در کتب درسی راجع به نظریات شخصیت به‌تفصیل پرداخته شده است، به نظام‌های طرفدار روان‌کاوی (فروید، یونگ، آدلر، هورنای، فروم و سولویان)، انسان‌گرایی (راجرز، مزلو و می)، رفتارگرایی و یادگیری اجتماعی (روتر و باندورا)، شخصیت‌شناسی (موری، مک‌لاند و وایت)، رگه‌ها و انواع (آیزنک،

گیلورد و کتل)، مراحل تحول (اریکسون و لویینگر) و طرحواره‌های شناختی (کلی و میشل)، طبقه‌بندی شده‌اند. در این راستا، امروزه شمار روزافزونی از روان‌شناسان شخصیت برای حوزه مطالعات شخصیت، به یک چارچوب یکپارچه نزدیک شده و شخصیت را برحسب پنج مفهوم پایه تصور می‌کنند (هوکر، ۲۰۰۲؛ مک‌آدامز، ۱۹۹۵؛ همو، ۲۰۰۹؛ مک‌آدامز و آدلر، ۲۰۰۶؛ مک‌آدامز و پالس، ۲۰۰۶؛ رابرتز و وود، ۲۰۰۶؛ شلدون، ۲۰۰۴؛ سینگر، ۲۰۰۵؛ به نقل از: مک‌آدامز، ۲۰۰۹، ص ۱۲).

مک‌آدامز و پالس (۲۰۰۶، ص ۲۰۴)، اخیراً در یک ترکیب گسترده که به‌طور انتخابی از نظریه‌های سنتی و گرایش‌های پژوهشی معاصر استفاده شده، نظریات را در کنار هم جمع‌آوری کرده‌اند و چارچوب پنج محوری ذیل را برای دانش یکپارچه از شخصیت به‌تفصیل بیان کرده‌اند. آنها شخصیت را این‌گونه توصیف کرده‌اند: «(۱) تنوع افراد در طرح تکاملی کلی برای طبیعت انسان، که به‌عنوان یک الگوی در حال تحول بیان شده است؛ (۲) صفات سرشتی؛ (۳) سازگاری‌های ویژه؛ (۴) خود - تعریفی روایت‌های زندگی که به‌نحو پیچیده و متفاوتی در (۵) بافت فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته‌اند».

با این حال، فراتر از صفات سرشتی، زندگی انسانی نسبت به طیف وسیعی از سازگاری‌های انگیزشی (امنز، ۱۹۸۶؛ لیتل، ۱۹۹۹؛ به نقل از: مک‌آدامز، ۲۰۰۹، ص ۱۲-۱۳)، اجتماعی - شناختی و تحولی (الدر، ۱۹۹۵؛ اریکسون، ۱۹۶۳؛ به نقل از: مک‌آدامز، ۲۰۰۹، ص ۱۲-۱۳) که در زمان، مکان، و یا نقش اجتماعی قرار داده شده است، متفاوت است. علاوه بر رگه‌های سرشتی و سازگاری‌های ویژه، زندگی انسانی با توجه به روایت‌های یکپارچه‌ساز زندگی، یا روایت‌های شخصی‌ای که افراد برای ایجاد معنا و هویت در دنیای مدرن می‌سازند نیز متفاوت است (مک‌آدامز، ۱۹۸۵؛ همو، ۲۰۰۶؛ همو، ۲۰۰۸؛ مک‌لین، پاسپاتی و پالس، ۱۹۸۷؛ ساربین، ۱۹۸۶، تامکینز، ۱۹۸۷؛ به نقل از: مک‌آدامز، ۲۰۰۹، ص ۱۳). بنابراین پاسخ به این سؤال که ماهیت شخصیت اخلاقی چیست، بستگی به این دارد که شما در مورد چه جنبه‌ای از شخصیت صحبت می‌کنید؛ رگه‌های سرشتی، سازگاری‌های ویژه، یا داستان‌های زندگی (مک‌آدامز، ۲۰۰۹، ص ۱۳).

۲. مفاهیم متناظر شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی

شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی به شیوه‌های مختلفی قابل پیگیری است. یکی از شیوه‌هایی که می‌تواند در تبیین این سازه

کرده است: ۱. بهترین معنای تقوا آن است که متقی کسی را گویند که اطاعت کند و معصیت نکند؛ شکر کند و کفران نعمت نکند؛ همیشه به یاد خدا باشد. ۲. متقی کسی را گویند که خود را از همه معاصی بازدارد و پیرامون هیچ خلافی نگردد. ۳. متقی کسی است که در راه خدا با تمام توان مجاهدت کند و از ملامت ملامت‌کنندگان نهراسد و در موقع خوف و امن از طریق اعتدال تجاوز نکند. ائمه^ع در روایات زیادی ویژگی‌های متقین را ذکر کرده‌اند. برای نمونه امیرمؤمنان علی^ع در یکی از خطبه‌های *نهج‌البلاغه* که به خطبه همام معروف است، بیش از یکصد ویژگی برای متقین ذکر می‌کند؛ که از جمله آنها صبر، مهار شهوت، و مهار غضب است (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۹۳). در روایتی دیگر حضرت در توصیف تقوا می‌فرماید: تقوا مهار و تکیه‌گاه است (همان، خطبه ۱۹۵).

– محسنین

محسنین اسم فاعل و جمع مذکر محسن به معنای نیکوکار است. این واژه از ریشه «حسن، یحسن، احسان» به معنای متضاد بدی کردن است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۰۰). به نظر می‌رسد که این اسم فاعل در قرآن کریم به جای صفت مشبیه به کار رفته و از آن ثبوت اراده شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۳۶). علامه طباطبائی در توضیح معنای لغوی احسان می‌گوید: «احسان یعنی اتیان بالفعل علی وجه حسن» (طباطبائی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۶۴)؛ سپس در توضیح معنای حسن شیء می‌گوید: «حقیقت حسن تناسب اجزا یک شیء با یکدیگر و سازگاری و تناسب مجموعه آن اجزا با هدف و غایت (قابل تصور) خارج از آن است (همان، ج ۱۶، ص ۲۴۹). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که احسان ناظر به چگونگی انجام عمل است. سه معنا را می‌توان برای «احسان» در نظر گرفت: معنای نخست انجام دادن کار نیک؛ معنای دوم نیکی کردن به دیگران؛ و معنای سوم انجام دادن شایسته کاری در شکل کامل آن؛ که البته این نکته قابل اهمیت است که معنای دوم و سوم به نوعی از مصادیق معنای اول به‌شمار می‌رود (فخار نوغانی، ۱۳۹۳).

در آیات و روایات ویژگی‌های زیادی برای محسنین ذکر شده است. برای نمونه شب زنده‌داری، استغفار (ذاریات: ۱۸ و ۱۹)، چشم‌پوشی از زینت‌های دنیوی (احزاب: ۲۸) اهل گذشت بودن (بقره: ۲۳۶)، انفاق (آل عمران: ۱۳۴) از جمله ویژگی‌هایی است که در قرآن کریم برای محسنین ذکر شده است.

براساس منابع اسلامی به ماکمک کند، استفاده از مفاهیمی است که ناظر به توصیف انسان اخلاقی معیار است و به نحوی یک الگوی شبه شخصیتی را بیان می‌کنند. مفاهیمی که نشان‌دهنده یک فاعل اخلاقی با ثبات و معیار است. علاوه بر این، مفاهیمی که به نحوی ناظر به هسته و محور اخلاقیات در فرد است نیز راهگشا هستند. بنابراین اصطلاحاتی از قبیل محسنین، متقین، صالحین، صابریین، کرما، و شرفا، می‌تواند شاخص‌هایی برای توصیف و معرفی شخصیت اخلاقی به دست دهد. از این رو، این تحلیل ما را بدین مسیر رهنمون می‌شود که یک انسان اخلاقی چگونه فکر می‌کند، اراده می‌کند، احساس می‌کند و عمل می‌کند.

در این بخش به مفاهیمی که به‌طور نظری با شخصیت اخلاقی در ارتباطند، پرداخته شده است. به منظور اطمینان بیشتر نسبت به تعیین مفاهیم مرتبط با شخصیت اخلاقی براساس منابع اسلامی، معانی این ۱۲ مفهوم استخراج، و در اختیار ۶ متخصص در حوزه علوم اسلامی و روان‌شناسی گذاشته شد تا مورد ارزیابی قرار گیرد. در این بررسی از متخصصان خواسته شد با توجه به تعریف شخصیت اخلاقی در روان‌شناسی و نیز معانی ارائه‌شده از مفاهیم پیشنهادی، میزان ارتباط آنها را با تعریفی که از شخصیت اخلاقی ارائه شده بود (کاملاً مرتبط، مرتبط اما نیاز به بازبینی، نیاز به بازبینی جدی، غیرمرتبط) مشخص کنند. برای به دست آوردن میزان توافق کارشناسان و روایی محتوا از روش CVI برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد و در صورتی که CVI به دست آمده از ۰/۷۹ بالاتر باشد، میزان توافق و روایی محتوا مورد تأیید خواهد بود (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۰، ص ۳۹۵-۴۵۰). در ادامه به بررسی معانی این مفاهیم و روایی آنها خواهیم پرداخت.

۲-۱. بررسی معانی

– متقین

متقین اسم فاعل و جمع مذکر متقی، به معنای تقواکار و پرهیزکار است. این واژه از ریشه «وقی، یقی، وقایه و وقیا» گرفته شده است. برای واژه وقایه معانی مختلفی وجود دارد: از جمله حفظ و نگهداری (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۹۹۲)، دفاع از خویشتن، دفع کردن چیزی، خوف و ترسیدن (محفوظی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷). طبرسی (به نقل از: محفوظی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸)، در کتاب *مجمع‌البحرین* در آیه ۹۷ سوره «آل عمران» سه معنا برای تقوا بیان

- مستحیی

مستحیی اسم فاعل از حیا است که در لغت به معنای ضد وقاحت (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۲۲)، انقباض و انزوا (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۶۰)، تغییر وانکسار (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱۳)، عامل بازدارندگی و بریدن از معصیت (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۳۶۰) آمده است. *راغب اصفهانی* در تعریف حیا می‌گوید: حیا یعنی خودداری نفس از زشتی‌ها و ترک آنها (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۷۳). حیا عاملی است که فرد را از کار قبیح بازمی‌دارد و آبرو و اعتبار اجتماعی‌اش را صیانت می‌کند (پسندیده، ۱۳۹۶). در روایتی از امیرمؤمنان علیؑ حیا وسیلهٔ رسیدن به هر زیبایی و نیکی دانسته شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۴).

شده به چنان شخصی از آن جهت صدیق گویند که هرگز دروغ نمی‌گوید؛ و نیز کسی است که چون عادت به راست‌گویی دارد، دروغی از او سر نمی‌زند و همچنین گفته شده کسی است که با قول و اعتقادش چیزی را به راستی می‌گوید و صدق خود را با عمل و کردارش ثابت و محقق می‌دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۸۳). علامه *طباطبائی* در تفسیر *المیزان* می‌گوید صدیق کسی است که هرگز دروغ نمی‌گوید؛ گفتار و عملش بر طبق حق بوده، و حقایق اشیا را می‌بیند (طباطبائی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۴۰۸). علاوه بر این، خشوع در برابر خداوند و عبادت طولانی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۲۵)، از جمله ویژگی‌هایی است که در منابع روایی برای صدیقین ذکر شده است.

- صالحین

صالحین اسم فاعل و جمع مذکر صالح از ریشهٔ «صلح یصلح صلاح» به معنای شایسته آمده و به کسی یا چیزی که شایسته و خوب است و فساد ندارد، صالح گفته می‌شود (مهنا، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۱؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۴۱). عمل صالح و کار شایسته آن است که مطابق عدل و انصاف باشد، که قهراً مفید و مورد رضای خداست (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۴۱). *بستانی* می‌گوید متضاد این کلمه «الفساد» است و به کسی که کارها و وظایف خود را درست انجام دهد، صالح گفته می‌شود: «هُوَ صَالِحٌ لِكَذَا» یعنی او شایستگی این کار را دارد (بستانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۴۵). در آیات و روایات، ویژگی‌های گوناگونی برای صالحین ذکر شده است. برای نمونه ایمان به خدا و آخرت، امر به معروف، نهی از منکر، مسارعت در خیرات و انجام اعمال صالح، پنج مورد از ویژگی‌های صالحین است که در قرآن کریم ذکر شده است (نساء: ۱۱۴؛ عنکبوت: ۹).

- صابریین

صابرین اسم فاعل و جمع مذکر صابر از ریشه صبر است. صبر در لغت عرب به معنای حبس و در تنگنا قرار دادن است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۷۱؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۷۱). برخی نیز آن را بازداشتن نفس از اظهار بی‌تابی و بی‌قراری دانسته‌اند (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۷۰۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۰۰۴). *آیت‌الله مصباح* در کتاب *اخلاق در قرآن* می‌گوید: اکثر قریب به اتفاق افعال اخلاقی یا حتی همهٔ آنها از جهتی زیر عنوان صبر قرار می‌گیرند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۸۰). در روایتی، شکوه نکردن در مقابل مصائب و تاب‌آوری، به‌عنوان یکی از نشانه‌های فرد صابر ذکر شده است (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۹۸).

- کرماء

کرماء جمع کریم و به معنای سخاوت، شرافت، نفاست و عزت است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۰۳). کرم اگر وصف خداوند واقع شود، منظور از آن احسان و نعمت آشکار است و اگر وصف انسان باشد، در اخلاق و افعال پسندیدهٔ او به کار می‌رود که از وی ظاهر می‌شود؛ و کسی را کریم گویند که اخلاق و افعال پسندیده‌اش بروز و ظهور داشته باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۰۷). در منابع دینی ویژگی‌های زیادی برای کرماء ذکر شده است. برای نمونه در روایتی ایثار به‌عنوان گوهر کرماء بیان شده است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۵۶).

- صدیقین

صدیقین، اسم مبالغه و جمع صدیق به معنای ملازم بودن با صدق است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۳۶). صدیق کسی است که اصلاً دروغ نمی‌گوید؛ دوم آنکه مداوم امر حق را تصدیق می‌کند و سوم کسی که به صدق عادت دارد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۹۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۹۴). *راغب اصفهانی* می‌گوید: صدیق کسی است که صدق و راستی از او زیاد سر زده است و گفته

- شرفاء

می‌کند، آن را قبول کرده یا خود را از چیزی که انجام می‌داد، بازدارد؛ او عقل را به کار گرفته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که معرفت (شناخت) و مهار (بازداری) دو معنای مهم برای واژه عقل هستند (رفیعی هنر، ۱۳۹۷، ص ۱۱۱). از این رو، مفهوم عقل از جمله مفاهیمی است که با توجه به گستره شناختی و رفتاری آن، سهم بسزایی در تبیین شخصیت اخلاقی ایفا خواهد کرد. برای نمونه، حدیث جنود عقل و جهل (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۸۹) از جمله احادیثی است که در این زمینه راه‌گشاست.

شرفاء جمع شریف و به معنای شرافتمند و بزرگوار است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۸۰). شریف نیز به معنای بلندمرتبه، طاهر، عقیف، آبرومند نیز آمده است (اسماعیلی صینی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۲). در منابع دینی ویژگی‌های زیادی برای شرفاء ذکر شده است؛ برای نمونه در روایتی امام حسین علیه السلام شریف‌ترین افراد را کسی می‌داند که پیش از پند داده شدن، پند بگیرد، و جلوتر از اینکه بیدارش کنند، بیدار شود (شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۵۹۰).

- عدول

عدول، جمع عدل است که از نظر لغوی به تسویه دو چیز، عدل اطلاق می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۲۱) که بعضی (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۴۷؛ زهری، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۲۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۹) نقیض آن را جور دانسته‌اند. عدالت نیز لفظی است که مساوات (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۶۲) میان‌روی و اجتناب از افراط و تفریط در هر امری را اقتضا می‌کند. بعضی (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۱۲) عدالت را به قرار دادن هر چیز در جایگاه خودش، تعریف کرده‌اند. علامه طباطبائی در تعریف عدالت می‌گوید: عدالت آن است که هر نیرویی به حق خود برسد و در جایی که شایسته است، قرار گیرد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۶۰). در نهایت اینکه برخی معنای اصلی واژه عدل را میان‌داری بین افراط و تفریط، یا همان حق محوری می‌دانند (پورملا و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۱). احمدی نیز با بررسی کلمات امیرمؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه، جامع‌ترین تعریف عدالت را نهادن هر چیزی در جایگاه شایسته‌اش بیان می‌کند (احمدی، ۱۳۹۲، ص ۵۲). از این رو، عدل نیز از جمله مفاهیم کلیدی و هسته‌ای است که می‌تواند در تبیین شخصیت اخلاقی نقش بسزایی ایفا کند. برای نمونه، در روایتی امام علیه السلام می‌فرمایند: عدل یعنی آنچه آدمی برای خود می‌پسندد، برای دیگران هم بپسندد و آنچه از آن اکراه دارد، برای دیگران هم اکراه ندارد (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۱).

۳. بررسی ضریب نسبت روایی محتوا (CVI)

تعداد مفاهیم متناظر شخصیت اخلاقی در منابع اسلامی قبل از ارزیابی کارشناسان «۱۲» مفهوم بود که در ادامه پس از ارزیابی آنها

- ابرار

ابرار جمع واژه بار (اسم فاعل) و یا جمع واژه بر (صفت مشبیه) از ریشه بر، به معنای نیکوکاران است و برخلاف واژه بحر بوده و از آن توسع مدنظر است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۵۱). طریحی در مجمع البحرین می‌گوید: ابرار اولیاء خدا هستند که در دنیا مطیع فرامین اویند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۱۹). علامه طباطبائی نیز در المیزان می‌گوید ابرار جمع بر (به فتح باء) صفت مشبیه از بر به معنای احسان است. از معنای آن برمی‌آید که بر، نیکویی در عمل است؛ بدون اینکه انسان در ازای آن، انتظار نفع یا بیان تشکری را داشته باشد. بدین معنا که او عمل خیر را به جهت خیر بودن آن را اراده می‌کند نه برای اینکه در آن نفعی است که در ازای آن به او بازمی‌گردد؛ و اگر نفسش از آن ناخشنود باشد، پس او بر تلخی مخالفت نفسش در آنچه اراده کرده، صبر می‌کند و کارش را انجام می‌دهد؛ زیرا آن فی‌نفسه خیر است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۹۹). با دنبال کردن این واژه در منابع دینی نیز می‌توان سرنخ‌هایی از شخصیت اخلاقی پیدا کرد. برای نمونه، در روایتی، زهد به عنوان زینت ابرار بیان شده است (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۵۶).

- عقلا

عقلا، جمع عقل است. ابن فارس در مقاییس اللغة اصل معنای عقل را بازداری در یک چیز می‌داند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۶۹). جوهری نیز عقل را به معنای بازداشتن و منع آورده است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵، ص ۱۷۶۹). اما فراهیدی برای عقل در انسان جنبه شناختی قائل شده و می‌گوید عقل نقیض جهل است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۵۹). به اعتقاد ابن فارس (۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۶۹) نیز زمانی که شخص نسبت به چیزی که جهل داشته، شناخت پیدا

منابع اسلامی است. در این بخش تعداد مفاهیم مرتبط با شخصیت اخلاقی که از منابع اسلامی استخراج گردیده و به تأیید ۶ نفر از کارشناسان و متخصصان علوم اسلامی و روان‌شناسی رسید، ۱۱ مفهوم است. این مفاهیم عبارت‌اند از: متقین، محسنین، مستحیی، صالحین، صدیقین، صابریین، کرماء، ابرار، شرفاء، عقلا و عدالت‌ورزان.

منابع.....

- نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
 ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
 ابن‌فارس، احمد بن، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
 ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان‌العرب*، بیروت، دار صادر.
 اترک، حسین، ۱۳۹۳، «فضیلت‌گرایی اخلاقی ابن‌سینا»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، دوره هفتم، ش ۲۴، ص ۲۵-۴۴.
 احمدی، سیدجواد، ۱۳۹۲، «اصطلاح‌شناسی عدالت و پیوند آن با مفاهیم هم‌سو در آموزه‌های نهج‌البلاغه»، *معرفت اخلاقی*، سال چهارم، ش ۱، ص ۳۷-۵۳.
 ارشادحسینی، هادی و همکاران، ۱۳۹۴، *هوش اخلاقی و ساخت آزمون اولیه آن بر اساس منابع اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی‌پژوهشی امام خمینی.
 ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 اسماعیل‌الصینی، محمود، ۱۴۱۴ق، *المکنز العربی المعاصر*، بیروت، مکتبه لبنان.
 بیستانی، فؤاد افرام، ۱۳۷۵، *فرهنگ ابجدی*، تهران، اسلامی.
 پسندیده، عباس، ۱۳۹۶، «روش مفهوم‌شناسی موضوعات اخلاقی و کاربرد آن در مفهوم حیا»، *اخلاق و حیاتی*، سال پنجم، ش ۲، ص ۶۷-۹۵.
 پورملا، سیدمحمدهاشم و همکاران، ۱۳۹۴، «معناشناسی واژه عدل در قرآن کریم بر مبنای روش ایزوتسو»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، سال چهل هشتم، ش ۱، ص ۱-۲۳.
 تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *غررالحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتب الاسلامی.
 جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ق، *الصحاح*، بیروت، دارالعلم للملایین.
 جهانگیرزاده، محمدرضا، ۱۳۹۰، «دیدگاه‌های هویت - شخصیت و رفتاری‌نگر در رشد اخلاقی»، *معرفت اخلاقی*، دوره سوم، ش ۹، ص ۶۵-۸۸.
 حاجی‌زاده، ابراهیم و محمد اصغری، ۱۳۹۰، *روش‌های و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی*، تهران، جهاد دانشگاهی.
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرقوی.
 —، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم.

«۱» مفهوم حذف گردید و نهایتاً «۱۱» مفهوم به دست آمد. از این بین، روایی به‌دست‌آمده از مفاهیم متقین، محسنین، مستحیی، صالحین، صابریین، صدیقین، عاقل، عادل، و کرما «۱»؛ روایی مفاهیم ابرار و شرفا «۸۳/۰»، و روایی مفهوم مکارم‌الاخلاق «۳۳/۰» به دست آمد.

با توجه به بررسی شخصیت اخلاقی در روان‌شناسی و مفاهیم متناظر آن در منابع اسلامی، می‌توان نتیجه گرفت که این سازه در منابع روان‌شناختی در برخی از قلمروها، همچون برخورداری از صفات و ملکات جامعه‌پسند، با مفاهیم متناظر آن در منابع اسلامی، مشترک است؛ اما گستره این سازه در منابع سلامی بسیار وسیع بوده و شامل ارتباط آن با خداوند، خویشتن و دیگران در سه بعد شناختی، عاطفی، انگیزشی، و رفتاری است. بنابراین با توجه به بررسی مفاهیم فوق، عملاً شخصیت اخلاقی عبارت است از مجموعه صفات نسبتاً پایدار معطوف به سعادت انسانی، که مؤلفه‌های آن (شناختی، عاطفی، انگیزشی و رفتاری) در سه محور ارتباط با خداوند، خویشتن و دیگران، با یکدیگر در تعامل‌اند.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تبیین سازه شخصیت اخلاقی در روان‌شناسی و بررسی مفاهیم متناظر آن در منابع اسلامی بود. این هدف در قالب دو بخش پی‌گیری شده است. در بخش اول محقق به دنبال بررسی رویکردها، مدل‌ها، تعاریف، و انواع شخصیت اخلاقی در روان‌شناسی است. در این بخش رویکردهای متعددی از قبیل رویکرد روان‌تحلیل‌گری (هویت - شخصیت؛ تحلیلی - اجتماعی)، رویکرد صفات، رویکرد شناختی اجتماعی، رویکرد شخص‌شناسانه، و رویکرد تلفیقی نظریه‌های شخصیت معرفی گردید. سپس چهار مدل پیشنهادی وارن و مدل «خود» بلازی مطرح شده است. بعد از آن تعاریف متعددی از شخصیت اخلاقی ذکر شد و نهایتاً تعاریف این گونه جمع‌بندی شد: «شخصیت اخلاقی مشتمل بر مجموعه‌ای از صفات اخلاقی است که باعث می‌شود فرد در مقام پردازش فکری، هدف‌گذاری زندگی، طرح‌گذاری زندگی، و رفتار بیرونی خود بر مبنای اخلاق حرکت کند، روندی که در صورت تداوم، منجر به شکل‌گیری یک هویت اخلاق‌مدار در فرد خواهد شد». در بخش دوم محقق به دنبال معرفی مفاهیم متناظر به شخصیت اخلاقی در

- and Moral Personality, 2015, In J. Boyle, G. J., & Saklofske, D. H. & Matthews, G, *Measures of Personality and Social Psychological Constructs*, Academic Press.
- Heinrichs, K. Oser, F & Lovat, T (Eds), 2013, *Handbook of Moral Motivation, Theories, Models, Applications*, University of Newcastle, Australia & University of Oxford, UK.
- Hogan, R., 1973, "Moral conduct and moral character: A psychological perspective", *Psychological Bulletin*, N. 79, p. 217-232.
- Lapsley, D. K., & Narvaez, D., 2014, "the having, doing and being of moral personality", In N. Snow & F. V. Trivigno (eds.), *The philosophy and psychology of character and happiness*, New York, NY: Routledge.
- Lapsley, D. K., & Narvaez, D., 2004, *Moral Development, Self, and Identity*, Mahwah, New Jersey.
- Lapsley, D. K., 1996, *Moral psychology*, Boulder, CO, Westview.
- McAdams, D., 2009, *The moral personality*, In D. Narvaez & D. K. Lapsley (eds), *Personality, identity, and character: Explorations in moral psychology*, New York, Cambridge University Press.
- McAdams, D. P., & Pals, J. L., 2006, "A new Big Five: Fundamental principles for an integrative science of personality", *American Psychologist*, N. 61, p. 204-217.
- Narvaez, D., & Lapsley, D.K (eds), 2009, *Personality, Identity, and Character: Explorations in Moral Psychology*, New York, Cambridge University Press.
- Santrock, J. W (eds), 2014, *Child Development*, University of Texas at Dallas.
- Santrock, J. W., 2019, *Life-span Development*, University of Texas at Dallas.
- Walker, L. G., 2014, *Moral personality, motivation and identity*, In Killen, M. & J. G Smetana (eds), *Handbook of Moral Development*, New York, Psychology Press.
- Warn, E. A., 2008, *Modeling Moral Personality: Moral Chronicity, Moral Identity, and Moral Cognition. Doctoral dissertation*, Columbia University.
- رفیعی هنر، حمید، ۱۳۹۷، *الگوی درمانی خودنظم‌جویی افسردگی بر اساس اندیشه اسلامی: تدوین مدل مفهومی و طرح‌نمای درمان و مطالعه امکان‌سنجی و پیامدهای اولیه آن*، رساله دکتری، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- شجاعی، محمدصادق، ۱۳۸۸، «نگاهی به ریشه‌های نظریه صفات شخصیت در اخلاق»، *روان‌شناسی و دین*، دوره سوم، ش ۲، ص ۱۲۹-۱۵۳.
- شوشتری، قاضی نورالله، ۱۴۰۹ق، *احقاق الحق و ازهاق الباطل*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
- ____، ۱۳۸۵، *علل الشرایع*، قم، مکتبه الداوری.
- ____، *کمال الدین و تمام النعمه*، تصحیح و تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- ____، ۱۴۰۳ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طریحی، فخرالدین بن، ۱۳۷۵، *مجمع البحرين*، تهران، مرتضوی.
- فخارنوغانی، وحیده، ۱۳۹۳، «معناشناسی واژه احسان در قرآن کریم»، *پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن*، ش ۵، ص ۱-۲۱.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، *العین*، قم، هجرت.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، ۱۴۱۵ق، *القاموس المحیط*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر*، قم، هجرت.
- قرشی، علی‌اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس القرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محفوظی، عباس، ۱۳۸۸، *اخلاق اسلامی*، قم، مشهور.
- مرتضی زبیدی، محمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۲، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مظفری، ابودر، ۱۳۹۸، *ارزش‌های اصلی زمینه‌ساز در رشد شخصیت اخلاقی از منظر قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- معن، حسین، ۱۴۱۲ق، *نظرات فی الإعداد الروحی*، بیروت، مؤسسه العارف للمطبوعات.
- منتظری، سیدسعید و محمدرضا نظری، ۱۳۹۲، «رهیافتی به اخلاق فضیلت در دینکرد ششم»، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، سال سوم، ش ۲، ص ۱۱۳-۱۳۲.
- موسوی اصل، سیدمهدی و همکاران، ۱۳۹۵، *روان‌شناسی اخلاق*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مهنا، عبدالله علی، ۱۴۱۳ق، *لسان‌اللسان*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- Allport, G. W., 1973, *Personality: A psychological interpretation*, New York, Holt, Rinehart & Winston.
- Campbell, J. B., & Jayawickreme, E. & Hanson, E, *Measures of Values*